

Lesson 1

PART 4

(Pages 29 - 31)

Grammar - See Also

Vocabulary واژگان درس

<p>by heart از حفظ، از بر</p> <p>Try to learn these English words and phrases by heart.</p> <p>«سعی کنید این کلمه ها و عبارت های انگلیسی را از حفظ یاد بگیرید.»</p>	<p>discover /v./ - کشف کردن ۲- فهمیدن، متوجه شدن</p> <p>1. Christopher Columbus discovered the new world (America) in 1492.</p> <p>«کریستوف کلمب، دنیای جدید (آمریکا) را در سال ۱۴۹۲ کشف کرد.»</p> <p>2. We never discovered why she gave up her job.</p> <p>«ما هرگز نفهمیدیم چرا او شغلش را کنار گذاشت.»</p>
<p>poetry /n./ شعر، فن شاعری، هنر شاعری</p> <p>She's published two books of poetry and a novel.</p> <p>«او دو کتاب شعر و یک رمان منتشر کرده است.»</p>	<p>solution /n./ راه حل، حل</p> <p>One person's solution may be another person's problem.</p> <p>«راه حل یک شخص ممکن است مسأله شخص دیگری باشد.»</p>
<p>ethics /n./ اخلاقیات، علم اخلاق</p> <p>He has absolutely no ethics and does whatever is necessary for him.</p> <p>«او قطعاً هیچ اخلاقیاتی ندارد و هرچه را برایش ضروری باشد انجام می دهد.»</p>	<p>for instance برای مثال، به عنوان مثال</p> <p>I can play a few musical instruments, for instance flute, guitar and piano.</p> <p>«من می توانم چندین آلات موسیقی برای مثال فلوت، گیتار و پیانو را بنوازم.»</p>
<p>countless /adj./ بی شمار، بی حد، بی اندازه</p> <p>The new drug could save Emma's life and the lives of countless others.</p> <p>«داروی جدید توانست زندگی اِما و زندگی افراد بی شمار دیگری را نجات دهد.»</p>	<p>accidentally /adv./ به شکل تصادفی، اتفاقی</p> <p>As I turned around, I accidentally hit him in the face.</p> <p>«هنگامی که برگشتم، به شکل تصادفی به صورت او ضربه زدم.»</p>
<p>including /prep./ از جمله، من جمله</p> <p>Six people were killed in the car accident including a policeman.</p> <p>«در آن تصادف اتومبیل شش نفر از جمله یک پلیس کشته شدند.»</p>	<p>microwave oven /n./ مایکروویو، اجاق مایکروویو</p> <p>Some people think microwave ovens aren't safe enough.</p> <p>«بعضی از مردم فکر می کنند که اجاق گازهای مایکروویو به اندازه کافی بی خطر نیستند.»</p>
<p>inspiration /n./ ۱- الهام، ۲- منبع الهام، الهام بخش</p> <p>1. His paintings take their inspiration from nature.</p> <p>«نقاشی های او از طبیعت الهام می گیرند.»</p> <p>2. He is a clever man and an inspiration to all of us.</p> <p>«او مرد باهوشی است و الهام بخش همه ما است.»</p>	<p>tool /n./ وسیله، ابزار</p> <p>What is the most important tool ever invented?</p> <p>«مهم ترین وسیله ای که تاکنون اختراع شده است، چیست؟»</p>
<p>author /n./ نویسنده، مؤلف</p> <p>The famous author created another bestselling book.</p> <p>«آن نویسنده معروف کتاب دیگری را خلق کرد که بهترین فروش را داشت (پرفروش بود).»</p>	<p>dishwasher /n./ ماشین ظرفشویی</p> <p>Could you please explain how this dishwasher works?</p> <p>«امکان دارد لطفاً توضیح دهید این ماشین ظرفشویی چه طور کار می کند؟»</p>
<p>pancake /n./ پن کیک، کیک تابه ای (نوعی کلوچه)</p> <p>Martha had a plate full of pancakes ready, so we sat around the large table.</p> <p>«مارتا بشقابی پر از پن کیک داشت، بنابراین ما دور آن میز بزرگ نشستیم.»</p>	<p>ordinary /adj./ معمولی، عادی</p> <p>Nothing out of ordinary happened on our trip.</p> <p>«هیچ چیز غیر معمولی در سفر ما اتفاق نیفتاد.»</p>

مترادف و متضاد:

synonym(s)	meaning	antonym(s)	meaning
countless = lots of; many; a lot of	بی شمار، تعداد زیادی	≠ limited	محدود
author = writer	نویسنده، مؤلف	-	-
discover = find out; understand	کشف کردن، متوجه شدن فهمیدن	-	-
solution = answer	حل، جواب	≠ question; problem	سؤال، مسأله
for instance = for example	برای مثال	-	-
invent = create; make	اختراع کردن، خلق کردن	≠ destroy	ناپود کردن
poetry = poems	شعر	-	-

هماینها: "Collocations"

make / bake a cak / a pancake	درست کردن / پختن کیک / کیک تابه‌ای
cook food	غذا پختن
computer games	بازی‌های کامپیوتری
countless languages	زبان‌های بی شمار / زیاد
receive education	کسب تحصیلات کردن

ترجمه متن کتاب درسی



دستور زبان: "Grammar"

Hafez **is known** to be as one of the most famous Persian poets of all time. He **was born** sometime between the years 1310 and 1337 A.D. in Shiraz. In his childhood, he received religious education. He **is called** Hafez because he learned the Holy Quran by heart. Hafez **is mostly remembered** for a special type of poetry that **is called** Ghazal. Emotions and ethics **are used** in Ghazals a lot. The collection of his poems **is called** Divan. It has **been translated** into countless languages including German, English and French. Hafez **is known** to be the inspiration for many poets and authors around the world.

حافظ به عنوان یکی از مشهورترین شاعرهای ایرانی همه زمان‌ها شناخته می‌شود. او زمانی بین سال‌های ۱۳۱۰ تا ۱۳۳۷ بعد از میلاد (مسیح) در شیراز متولد شد. در دوران کودکی، او تحصیلات مذهبی کسب کرد. او حافظ نامیده می‌شود زیرا قرآن کریم را از حفظ یاد گرفت. حافظ عمدتاً به خاطر نوع خاصی از شعر که غزل نامیده می‌شود، به یاد مانده است. عواطف و اصول اخلاقی در غزل‌ها فراوان استفاده می‌شوند. مجموعه شعرهای او «دیوان» نامیده می‌شود. آن به زبان‌های بی شماری از جمله آلمانی، انگلیسی و فرانسوی ترجمه شده است. حافظ منبع الهام بسیاری از شاعرها و نویسندگان سراسر جهان شناخته می‌شود.

درسنامه

Grammar

جمله‌های معلوم و مجهول: "Active and Passive Voice"

مقدمه: کلیه جمله‌ها در زبان انگلیسی از نظر حضور یا عدم حضور **فاعل (subject)** به عنوان «انجام‌دهنده مستقیم عمل» به دو دسته **جمله معلوم (Active Voice)** و **جمله مجهول (Passive Voice)** تقسیم می‌شوند. از آنجایی که بحث جمله‌های معلوم و مجهول ارتباط مستقیمی با فعل‌های لازم یا همان فعل‌های «مفعول‌ناپذیر» و فعل‌های متعدی یا همان «فعل‌های مفعول‌پذیر» دارد، پیشنهاد می‌شود در ابتدا اجزای جمله در انگلیسی (درس اول سال یازدهم) مطالعه گردد.

جمله معلوم: "Active Voice"

جمله معلوم جمله‌ای است که **فاعل** یا «انجام‌دهنده مستقیم عمل (verb)» در آن وجود دارد.

- ⇒ Alexander Graham Bell invented the telephone. «الکساندر گراهام بل تلفن را اختراع کرد.»
 (subject) فاعل (verb) فعل (object) مفعول
- ⇒ The famous doctor cures him. «این دکتر معروف او را درمان می‌کند.»
 (subject)

جمله مجهول: "Passive Voice"

جمله مجهول جمله‌ای است که **کننده کار (فاعل)** در آن وجود ندارد و در این جمله‌ها **مفعول (object)** در ابتدای جمله می‌آید.

- ⇒ The telephone was invented. «تلفن اختراع شد.»
 (object) (to be) (p.p.)
- ⇒ He is cured. «او درمان می‌شود.»
 (object) ^{to}be (p.p.)

چرا از جمله مجهول استفاده می‌شود؟

پاسخ: (۱) مشخص نبودن فاعل، (۲) کم اهمیت یا بی‌اهمیت بودن فاعل، (۳) اهمیت بیشتر عمل انجام‌شده یا مفعول از فاعل، از دلایل استفاده از جمله مجهول است.

نکته فقط می‌توان «فعل‌های متعدی» (transitive verbs) را مجهول کرد، زیرا این فعل‌ها به مفعول نیاز دارند و در واقع مفعول‌پذیرند. فعل‌هایی مانند "wash, break, eat, publish, ..." «متعدی» هستند و مجهول می‌شوند. اما فعل‌های «لازم» (intransitive verbs) مفعول‌پذیر نیستند در نتیجه مجهول هم نمی‌شوند. فعل‌هایی مانند "go, come, ..." لازم هستند و مجهول نمی‌شوند.

- ⇒ The spring came late last year. «سال گذشته بهار دیر فرا رسید.»
 فعل لازم

جمله فوق دارای فعل لازم است و فاقد مفعول است، بنابراین حالت مجهول ندارد.

ساختار کلی جمله‌های مجهول به شکل زیر است:

to be + p.p. + ... + (فعل کمکی) + مفعول

۱ یادآوری فعل "to be" در زمان‌های مختلف به شکل زیر صرف می‌شود:

افعال وجهی، آینده و مصدر	حال / گذشته کامل	حال / گذشته استمراری	گذشته ساده	حال ساده
be	been	being	was / were	am / is / are

درسنامه

یادآوری ۲ «p.p.» همان «past participle» یا «قسمت سوم فعل» (صفت مفعولی) می‌باشد که برای ساخت آن فعل‌های با قاعده «d / ed» می‌گیرند و قسمت سوم فعل‌های بی‌قاعده را مانند یک لغت جدید باید حفظ کرد (لیست این فعل‌ها در انتهای کتاب درسی و همین کتاب آمده است).

طریقه تبدیل جمله معلوم به جمله مجهول:

۱ فاعل جمله معلوم را حذف کرده و مفعول را در ابتدای جمله می‌نویسیم. در صورتی که مفعول به صورت ضمیر مفعولی (me, him, her, ...) باشد، آن را به صورت ضمیر فاعلی (I, He, She, ...) تبدیل می‌کنیم.

۲ در صورتی که در جمله فعل کمکی وجود داشت، با توجه به جمع یا مفرد بودن مفعول، آن را پس از مفعول نوشته و یکی از اشکال «to be» را در ادامه می‌آوریم.

۳ به اختیار می‌توان کننده کار (subject) را در انتهای جمله (قبل از قید زمان) به صورت «فاعل + by» آورد. پس از «by» فاعل به صورت اسم یا ضمیر مفعولی قرار می‌گیرد.

جمله‌های زیر را مجهول کنید.

معلوم ⇒ My friend translated the letter into English. «دوست من نامه را به انگلیسی ترجمه کرد.»

مفعول (object) فعل (verb) فاعل (subject)

مجهول ⇒ The letter was translated into English. «نامه به انگلیسی ترجمه شد.»

(object) (to be) (p.p.)

معلوم ⇒ They are building 200 new houses now. «آن‌ها الآن در حال ساختن ۲۰۰ خانه جدید هستند.»

مفعول فعل کمکی فعل فاعل

مجهول ⇒ 200 new houses are being built (by them) now. «دویست خانه جدید (توسط آن‌ها) الآن در حال ساخته شدن هستند.»

مفعول فعل کمکی to be p.p. (فاعل + by)

در جدول کتی زیر، فرمول معلوم و مجهول زمان‌های مختلف را مشاهده می‌کنید:

زمان	فعل معلوم	فعل مجهول
حال ساده	قسمت اول فعل	am / is / are + p.p.
گذشته ساده	قسمت دوم (گذشته) فعل	was / were + p.p.
حال استمراری	am / is / are + فعل + ing	am / is / are + being + p.p.
گذشته استمراری	was / were + فعل + ing	was / were + being + p.p.
حال کامل (ماضی نقلی)	have / has + p.p.	have / has + been + p.p.
گذشته کامل (ماضی بعید)	had + p.p.	had + been + p.p.
فعل‌های وجهی (ناقص)	can / may / must should / will / , ...	can / may / must / should will + be + p.p.
آینده	{ will am / is / are going to } + شکل ساده فعل	will + be + p.p. am / is / are going to + be + p.p.
مصدر	فعل ساده + to	to be + p.p.

درسنامه

در جدول کتی زیر، جمله‌های معلوم و مجهول را در زمان‌های مختلف بر اساس جدول فوق مشاهده می‌کنید:

زمان	جمله معلوم	جمله مجهول
حال ساده	I solve the problem. «من آن مسأله را حل می‌کنم.»	The problem is solved (by me). «آن مسأله (توسط من) حل می‌شود.»
گذشته ساده	I solved the problem. «من آن مسأله را حل کردم.»	The problem was solved (by me). «آن مسأله (توسط من) حل شد.»
حال استمراری	I am solving the problem. «من در حال حل آن مسأله هستم.»	The problem is being solved . «آن مسأله در حال حل شدن است.»
گذشته استمراری	I was solving the problem. «من در حال حل آن مسأله بودم.»	The problem was being solved . «آن مسأله در حال حل شدن بود.»
حال کامل (ماضی نقلی)	I have solved the problem. «من آن مسأله را حل کرده‌ام.»	The problem has been solved . «آن مسأله حل شده است.»
گذشته کامل (ماضی بعید)	I had solved the problem. «من آن مسأله را حل کرده بودم.»	The problem had been solved . «آن مسأله حل شده بود.»
فعل‌های وجهی (ناقص)	I can solve the problem. «من می‌توانم آن مسأله را حل کنم.»	The problem can be solved . «آن مسأله می‌تواند حل شود.»
آینده	1. I will solve the problem. «من آن مسأله را حل خواهم کرد.» 2. I am going to solve the problem. «من قصد دارم آن مسأله را حل کنم.»	1. The problem will be solved . «آن مسأله حل خواهد شد.» 2. The problem is going to be solved . «آن مسأله قرار است حل شود.»
مصدر	I want to solve the problem. «من می‌خواهم آن مسأله را حل کنم.»	I want the problem to be solved . «من می‌خواهم که آن مسأله حل شود.»

⇒ The girl is drawing a flower. $\xrightarrow{\text{مجهول}}$ A flower is being drawn.

«آن دختر در حال کشیدن (رسم) یک گل است.» $\xleftarrow{\text{مجهول}}$ «یک گل در حال کشیده شدن است.»

⇒ My brother has lost his money. $\xrightarrow{\text{مجهول}}$ His money has been lost.

«برادرم پولش را گم کرده است.» $\xleftarrow{\text{مجهول}}$ «پولش گم شده است.»

نکته برای علاقمندان در صورتی که جمله دارای دو مفعول باشد، می‌توان هر بار یکی از آن مفعول‌ها را به ابتدای جمله منتقل و آن را مجهول کرد. پس فعل‌هایی مانند "give , send , buy , ..." که دو مفعول می‌پذیرند، به دو شکل مجهول می‌شوند.

⇒ I sent my brother an email last night.

«من دیشب به برادرم یک ایمیل ارسال کردم.»

مفعول (۲) مفعول (۱)

(۱) An email was sent to my brother last night.

«دیشب یک ایمیل به برادرم ارسال شد.»

مفعول (۲)

مفعول (۱)

به حرف اضافه "to" قبل از «مفعول شخصی» توجه کنید.

(۲) My brother was sent an email last night.

«به برادرم دیشب یک ایمیل ارسال شد.»

مفعول (۱)

مفعول (۲)

وقتی مفعول شخصی در ابتدای جمله مجهول قرار می‌گیرد قبل از مفعول غیرشخصی (مفعول ۲) نیازی به حرف اضافه نیست.

درسنامه

نکته در صورتی که «قیدهای تکرار» مانند «... always, usually, sometimes» در جمله معلوم باشند، در جمله مجهول بین «to be» و «p.p.» قرار می‌گیرند.

⇒ They **usually** repair the modern cars. «آن‌ها معمولاً اتومبیل‌های مدرن را تعمیر می‌کنند.»

The modern cars **are usually repaired**. «اتومبیل‌های مدرن معمولاً تعمیر می‌شوند.»
 مجهول : **are usually repaired** قید تکرار **p.p.** **to be**

چگونگی پاسخ دادن به سؤال‌های تستی:

در سؤال‌های چهارگزینه‌ای، چنانچه فعل موجود در گزینه‌ها مفعول پذیر یا متعدی باشد، معمولاً پس از جای خالی مفعول قرار می‌گیرد، زیرا در جمله‌ها پس از فعل، مفعول می‌آید. حال اگر بعد از جای خالی مفعولی نباشد، جمله ساختار «مجهول» دارد، چرا که در جمله‌های مجهول بعد از فعل مفعولی نمی‌آید. این مفعول به ابتدای جمله مجهول منتقل شده است. جمله‌ای که با مفعول شروع شود، مجهول است، بنابراین فعلی مجهول متناسب با زمان و مفعول جمله را انتخاب می‌کنیم که متشکل از «to be» و «قسمت سوم فعل» است.

⇒ A new airport in this area since two years ago. (نهایی کشوری - فرداد ۹۶)

- ① has built ② has been built ③ built ④ was built

«یک فرودگاه جدید از دو سال پیش در این منطقه ساخته شده است.»

توضیح: فعل «build» (ساختن) متعدی است و باید پس از آن مفعول قرار بگیرد. (این‌که «چه چیزی ساخته شده است؟» همان مفعول است که پس از جای خالی نیامده است. مفعول همان «یک فرودگاه جدید» است (A new airport) و می‌تواند «ساخته می‌شود»، نه این‌که «بتواند بسازد». این مفعول در ابتدای جمله قرار دارد، پس ساختار جمله، مجهول است و در پاسخ به «to be» و «p.p.» نیاز است. (دلیل نادرستی گزینه‌های (۱) و (۳) که معلوم هستند). گزینه (۴) گذشته ساده مجهول است. «مبدأ زمان در گذشته + since» از نشانه‌های حال کامل (ماضی نقلی) است به همین علت پاسخ صحیح گزینه (۲) می‌باشد.

See Also

سؤال‌های کوتاه: «Tag questions»

در انگلیسی زمانی که بخواهند در مورد جمله‌ای که بیان کرده‌اند از شنونده یا خواننده تأیید بگیرند یا این‌که ببینند جمله مورد قبول واقع شده است یا نه از «سؤال کوتاه» (Tag question) استفاده می‌کنند. معادل فارسی سؤال کوتاه به صورت: «این‌طور نیست؟ مگه نه؟ درست است؟» می‌باشد. «Tag question» به دو شکل مثبت و منفی کاربرد دارد. اگر جمله مثبت باشد، سؤال کوتاه «منفی» است و اگر جمله منفی باشد، سؤال کوتاه به صورت مثبت به کار می‌رود. جای سؤال کوتاه در انتهای جمله است و قبل از آن کاما، به کار می‌رود. ساختار کلی سؤال کوتاه متشکل از یک فعل کمکی مانند «... are, was, can, will» و یک ضمیر فاعلی مانند «... I, we, she, they» طبق الگوهای زیر می‌باشد:

جمله مثبت	؟ ضمیر فاعلی + فعل کمکی منفی
جمله منفی	؟ ضمیر فاعلی + فعل کمکی مثبت
Tag questions	

نکته ۱ اگر جمله دارای فعل کمکی باشد، در سؤال کوتاه از همان فعل کمکی استفاده می‌شود که در جمله آمده است نه فعل کمکی دیگری.

⇒ They **are** going to build a new bridge, **aren't they?** «آن‌ها قصد دارند پل جدیدی بسازند، این‌طور نیست؟»

مثبت

ضمیر فاعلی فعل کمکی منفی

Tag question

نکته ۲ اگر جمله مثبت باشد، «Tag question» با فعل کمکی منفی مُخَفَّف به کار می‌رود.

درسنامه

⇒ You've destroyed my hopes of happiness, **haven't you?**

فعل کمکی مثبت

فعل کمکی منفی

«شما امیدهای خوشبختی من را نابود کرده‌اید، مگه نه / این طور نیست؟»

در این سؤال دقت کنید که "you've" به صورت مخفف به کار رفته که غیرمخفف آن "you have" است. در سؤال کوتاه شکل کامل فعل کمکی یعنی "have" را منفی و مخفف می‌کنیم (have not → haven't). سایر فعل‌های کمکی نیز همین‌طور هستند. اما اگر جمله منفی باشد، نمی‌توان فعل کمکی مثبت را به صورت مخفف به کار برد.

⇒ He's not paying attention to the teacher, **is he?**

جمله منفی

ضمیر فاعلی فعل کمکی مثبت

«او به معلم توجه نمی‌کند، درست است؟»

دقت کنید که "He's = He is" می‌باشد.

⇒ He's not fed the birds yet, **has he?**

«او هنوز به پرندگان غذا نداده است، این طور نیست؟»

دقت کنید که در این جمله "He's not" مخفف "He has not" می‌باشد زیرا بعد از فعل کمکی منفی، قسمت سوم (p.p.) فعل به کار رفته است که بیانگر زمان «حال کامل یا ماضی نقلی» است. ضمن این‌که "yet" هم از نشانه‌های این زمان است.

نکته ۳ در صورتی که جمله فعل کمکی نداشته باشد، در زمان «حال ساده» از فعل‌های کمکی "do / does" و در زمان «گذشته ساده» از فعل کمکی "did" استفاده می‌شود.

⇒ My brothers get up early in the morning, **don't they?**

فعل به زمان حال ساده

«برادرهایم صبح زود از خواب برمی‌خیزند، این طور نیست؟»

⇒ Mina waters the flowers every day, **doesn't she?**

فعل به زمان حال ساده

«مینا هر روز به گل‌ها آب می‌دهد، مگه نه؟»

⇒ The generous men donated a lot of money to the homeless children, **didn't they?**

فعل به زمان گذشته ساده

«مردهای بخشنده پول زیادی را به کودکان بی‌خانمان اهدا کردند، این طور نیست؟»

(The generous men = They)

نکته ۴ در صورتی که در جمله، کلمه‌های منفی کننده مانند "never, rarely, no, little, few, ..." به کار روند، سؤال کوتاه مثبت خواهد بود.

⇒ These old people never gave up smoking, **did they?**

فعل به زمان منفی‌کننده گذشته ساده

«این افراد پیر هرگز سیگار را ترک نکردند، درست است؟»

نکته ۵ سؤال کوتاه جمله‌هایی که با "I'm / I am" شروع می‌شوند به صورت "aren't I?" بیان می‌شوند ("am not" مخفف ندارد و در این مورد استثنائاً از "aren't" استفاده می‌شود). اما اگر جمله با "I am not" یا "I'm not" شروع شود، سؤال کوتاه به صورت "am I?" به کار می‌رود.

⇒ I'm watching my favorite program on TV, **aren't I?** «من در حال تماشای برنامه مورد علاقه‌ام در تلویزیون هستم، این طور نیست؟»

⇒ I'm not making pancakes now, **am I?**

«من الان در حال درست کردن پن‌کیک نیستم، هستم؟»

نکته ۶ سؤال کوتاه جمله‌هایی که با "Let's" شروع می‌شوند به صورت "shall we?" می‌باشد.

⇒ Let's tell our father what we did, **shall we?**

«بیایید آن چه را انجام دادیم به پدرمان بگوییم، ممکنه؟»

درسنامه

نکته ۷ بعضی از فعل‌ها مانند "put, set, let, cut, ...". که هر سه قسمت آن‌ها (حال، گذشته، "p.p.") یکسان به کار می‌روند، در صورتی‌که با فاعل‌های سوم شخص مفرد مانند "he, she, it, ..." به کار روند و فاقد "s" سوم شخص مفرد باشند، زمان‌ها آن «گذشته ساده» است و با "did" برای آن‌ها سؤال کوتاه ساخته می‌شود، اما اگر "s" سوم شخص مفرد داشته باشند، زمان آن‌ها «حال ساده» است و فعل کمکی "does" در سؤال کوتاه آن‌ها به کار می‌رود.

- ⇒ Her sister cut her finger in the kitchen, **didn't she**? «خواهرش در آشپزخانه انگشتش را برید، این‌طور نیست؟»
 زمان سوم شخص مفرد گذشته
- ⇒ The man puts the tool on the table, **doesn't he**? «آن مرد آن وسیله را روی میز می‌گذارد، مگه نه؟»
 حال ساده سوم شخص مفرد

نکته ۸ در صورتی‌که جمله با "This / That" شروع شود، در سؤال کوتاه به "it" و چنانچه جمله با "These / Those" شروع شود در سؤال کوتاه به "they" تبدیل می‌شوند.

- ⇒ That will attract many tourists, **won't it**? «آن گردشگرهای زیادی را جذب خواهد کرد، مگه نه؟»
- ⇒ These can't be sold easily, **can they**? «این‌ها نمی‌توانند به سادگی فروخته شوند، درست است؟»

نکته ۹ در صورتی‌که جمله با "There is / are / was / were" شروع شود، از خود کلمه "There" در سؤال کوتاه استفاده می‌شود و "There" تغییری نمی‌کند.

- ⇒ There are lots of dictionaries in the library, **aren't there**? «در این کتابخانه تعداد زیادی فرهنگ لغت وجود دارند، این‌طور نیست؟»
- ⇒ There was heavy traffic in the streets, **wasn't there**? «در خیابان‌ها ترافیک سنگینی وجود داشت، وجود نداشت؟»

نکته ۱۰ چنانچه جمله به صورت امر یا نهی به کار رود، سؤال کوتاه آن‌ها به صورت "will you" یکسان به کار می‌رود.

- ⇒ Turn on the TV please, **will you**? «لطفاً تلویزیون را روشن کن، ممکنه؟»
 فعل امری
- ⇒ Don't buy the old apartment, **will you**? «آن آپارتمان قدیمی را نخر، ممکنه؟»
 فعل نهی
- مناسب‌ترین گزینه را انتخاب کنید.

1. The child lost his money in the crowd, ?

- ① does the child ② didn't the child ③ does he ④ didn't he

«آن بچه پولش را در جمعیت گم کرد، این‌طور نیست؟»

توضیح: جمله مثبت است، بنابراین سؤال کوتاه آن منفی است (دلیل نادرستی گزینه‌های (۱) و (۳)). در سوال کوتاه به جای اسم، از ضمیر فاعلی استفاده می‌شود (دلیل نادرستی گزینه (۲)). با توجه به این‌که زمان فعل "lost" گذشته ساده است، فعل کمکی متناسب با آن "did" است که در این جمله به صورت منفی به کار می‌رود. بنابراین گزینه (۴) پاسخ صحیح است.

2. I'm going to attend the music class, ?

- ① don't I ② am not I ③ aren't I ④ do I

«من قصد دارم که در این کلاس موسیقی شرکت کنم، این‌طور نیست؟»

توضیح: جمله مثبت است، بنابراین سؤال کوتاه آن منفی است (دلیل نادرستی گزینه (۴)). وقتی جمله با "I am / I'm" شروع شود استثنائاً سؤال کوتاه آن "aren't I?" است. چرا که "am not" حالت مخفف ندارد. بنابراین گزینه (۳) پاسخ صحیح است.

QUESTIONS

سوالات امتحانی درس



VOCABULARY

۱. کلمه‌های داده‌شده را در جای مناسب قرار دهید (دو کلمه اضافی است).

including - inspiration - lower - poetry - discover - regard - accidentally - forgiven

- 157 He found it easiest to express himself in the language of
- 158 I've never myself for the way I treated her.
- 159 It took her several weeks to the solution.
- 160 And everyone, Anna Pavlona felt this.
- 161 The lost letter was discovered in 1788 and no secret any longer.
- 162 Poets and artists often draw their from nature.

۲. مناسب‌ترین گزینه را انتخاب کنید.

- 163 Do you know that there is no simple to this problem?
 ① solution ② question ③ invitation ④ appreciation
- 164 She's learnt all Molana's poems by
 ① head ② leg ③ heart ④ neck
- 165 I've suggested him the solution times, but he isn't aware of the danger.
 ① hopeless ② countless ③ careless ④ homeless
- 166 Always select the right for the job.
 ① pigeon ② sofa ③ poetry ④ tool

۳. تعریف‌های داده‌شده در ستون (A) را با کلمه‌های مناسب در ستون (B) جور کنید و حرف مربوطه را داخل پرانتز بنویسید. (در ستون (B) دو کلمه اضافی است).

(A)

(B)

- | | | |
|---|-----|----------------|
| 167 a person who writes books | () | a accidentally |
| 168 a way of answering a question | () | b special |
| 169 something you hold in your hand and use for making, repairing, ... things | () | c author |
| 170 happening not planned | () | d translator |
| 171 not unusual or different in any way | () | e ordinary |
| | | f tool |
| | | g solution |

۴. "synonym" (مترادف) و یا "antonym" (متضاد) کلمه‌های مشخص شده در ستون (A) را از ستون (B) پیدا کنید و حرفِ مربوطه را داخل پرانتز بنویسید (در ستون (B) دو کلمه اضافی است).

- | A | | B |
|--|-------|-----------|
| 172 Scientists are working to <u>discover</u> a cure for AIDS. | = () | a destroy |
| 173 The <u>question</u> is how much are they going to pay you? | ≠ () | b calm |
| 174 I was very <u>angry</u> with myself for making such a mistake. | ≠ () | c forget |
| 175 They plan to <u>create</u> more jobs for young people. | = () | d find |
| 176 I don't <u>remember</u> my first day at school. | ≠ () | e forgive |
| | | f produce |
| | | g answer |

۵. کلمه‌های متناسب با ستون (A) را از ستون (B) پیدا کنید و حرفِ مربوطه را داخل پرانتز بنویسید (در ستون (B) دو کلمه اضافی است).

- | A | | B |
|----------------------|-----|------------|
| 177 Persian | () | a actual |
| 178 by | () | b lap |
| 179 burst into | () | c pains |
| 180 for | () | d all |
| 181 at | () | e tears |
| 182 spare no | () | f poets |
| | | g instance |
| | | h heart |

۶. در هر گروه از کلمه‌ها کدام کلمه با بقیه ناهماهنگ است؟
- 183 discover - find - regard - get
- 184 famous - ordinary - popular - important
- 185 dishwasher - microwave - tool - refrigerator

۷. جاهای خالی را با کلمه‌های مناسب و با دانشی خود کامل کنید.

- 186 A strong feeling such as love, anger or fear is called
- 187 A woman who stays at home to cook, clean or take care of children when her husband goes to work is a / an

GRAMMAR



۸. یکی از کلمه‌های داخل پرانتز صحیح است. زیر آن خط بکشید.

- 188 The sick man (cured - was cured - has been cured) by the physician last month.
- 189 My parents (forgives - forgive - forgave) me for what I did, didn't they?
- 190 A feeling of great happiness (produces - is produced - be produced) by this drug.
- 191 She (founded - has founded - has been founded) three English Institutes since last year.
- 192 The man never let his little son go out after 8 p.m, (did - didn't - doesn't) he?
- 193 The new program (is watching - are being watched - is being watched) right now.

۹. مناسب‌ترین گزینه را انتخاب کنید.

(نهایی کشوری - دی ۹۶)

- 194 The tiger in the jungle last year.
 ① saw ② will see ③ was seen ④ is seen
- 195 My mother put sugar in my coffee, ?
 ① didn't my mother ② didn't she ③ doesn't my mother ④ did she
- 196 The house by him next month.
 ① will paint ② paint ③ painted ④ will be painted
- 197 The mice ate the whole cheese under the table, ?
 ① did it ② didn't they ③ did they ④ didn't it
- 198 The new lesson by our teacher yet.
 ① didn't teach ② hasn't been taught ③ hasn't taught ④ won't be taught
- 199 It is a little dark. Turn on the light, please, you?
 ① will ② do ③ aren't ④ did

(نهایی کشوری - شهریور ۹۶)

(نهایی کشوری - فرورداد ۹۶)

۱۰. برای جمله‌های زیر "Tag question" بنویسید.

- 200 Let's think about the right solution to the problem, ?
- 201 Mina's gotten no money to buy her favorite cellphone, ?
- 202 We observe a decrease of nearly 6% in the number of visitors to the museum, ?
- 203 Most of her life wasn't spent caring for others, ?
- 204 David's mentally writing the letter he will write later, ?
- 205 You and I shouldn't change our minds, ?
- 206 Your brother knows the killer's identity, ?

۱۱. شکل صحیح فعل‌های داخل پرانتز را (از نظر "Active / Passive" بودن) در جای خالی بنویسید.

- 207 The money from them for a long time. (to steal)
- 208 I never myself if she hears the truth from someone else. (to forgive)
- 209 This drug to lower blood pressure soon. (to use)
- 210 His homework when I left the room. (to do)
- 211 A modern laboratory is going to by the rich company. (to build)
- 212 Scientists disagree about how the universe billion years ago. (to create)
- 213 They a new type of microwave oven at the present time. (to invent)

۱۲. با توجه به تصویرها به سؤال‌های زیر جواب کامل دهید.

- 214 How many shirts have been washed?

(نهایی کشوری - فرورداد ۹۷)



- 215 Can this building be completed today?

(نهایی کشوری - فرورداد ۹۶)



216 Has the blackboard been cleaned?

.....

(نهایی کشوری - شهریور ۹۶)



217 Where is the car parked?

.....

(نهایی کشوری - فرورداد ۹۶)



۱۳. در هر کدام از جمله‌های زیر یک غلط دستوری وجود دارد. آن را پیدا کنید و صحیح آن را در محل نقطه چین بنویسید.

218 The workers expect the manager to be boost their income. →

219 The girl cut her finger while cooking in the kitchen, doesn't she? →

220 A new industrial site has be developed here recently. →

221 The pigeons are going to fed every afternoon by the old people. →

222 She's been clever enough to solve the hard math problem, isn't she? →

۱۴. با هر گروه از کلمه‌های درهم‌ریخته زیر، ابتدا یک جمله "Active" (معلوم) و سپس یک جمله "Passive" (مجهول) بسازید.

223 spent - all my money - have - I - .

Active:

Passive:

224 the college - in 1895 - founded - her family - .

Active:

Passive:

225 learn - by heart - his brother - the poems - is going to - .

Active:

Passive:

226 invents - usually - each year - new things - Sony Company - .

Active:

Passive:

227 don't - the new school - this site - for - they - choose - .

Active:

Passive:

228 you - last night - repairing - the computer - weren't - ?

Active: ?

Passive: ?

پاسخ‌نامه تشریحی

ANSWERS

۱۷۵. (f) "produce" (تولید کردن) «آن‌ها برنامه‌ریزی می‌کنند که شغل‌های بیش‌تری را برای جوانان ایجاد کنند.»
۱۷۶. (c) "forget" (فراموش کردن) «من اولین روز مدرسه‌ام را به یاد نمی‌آورم.»
۱۷۷. (f) "Persian poets" «شاعرهای ایرانی»
۱۷۸. (h) "by heart" «از حفظ، از بر»
۱۷۹. (e) "burst into tears" «زیر گریه زدن»
۱۸۰. (g) "for instance" «برای مثال»
۱۸۱. (d) "at all" «ابداً، اصلاً»
۱۸۲. (c) "spare no pains" «دریغ نکردن»
۱۸۳. "regard" «این کلمه به معنای «به شمار آمدن» است. سایر کلمه‌ها "synonyms" و به معنای «کشف کردن و فهمیدن» می‌باشند.»
۱۸۴. "ordinary" «این کلمه به معنای «عادی، معمولی» است. سایر کلمه‌ها "synonyms" و به معنای «مشهور و مهم» می‌باشند.»
۱۸۵. "tool" «این کلمه به معنای کلی «ابزار یا وسیله» است. سایر کلمه‌ها به معنای «ماشین ظرفشویی، ماکروویو، یخچال» می‌باشند.»
۱۸۶. "emotion" «یک احساسی شدید مثلی عشق، عصبانیت یا ترس عاطفه نامیده می‌شود.»
۱۸۷. "housewife" «خانمی که برای آشپزی، تمیز کردن یا مراقبت کردن از بچه‌ها در خانه می‌ماند هنگامی که شوهرش به‌کار می‌رود زن (خانم) خانه‌دار است.»

یادآوری: قبل از پاسخ دادن به سؤالات گرامری به یاد داشته باشید که ساختار کلی جمله‌های مجهول به صورت:

"p.p. + to be + (فعل کمکی) + مفعول) و ساختار سؤال کوتاه به شکل: [ضمیر فاعلی + فعل کمکی (مثبت یا منفی)] می‌باشند.

۱۸۸. "was cured" «آن مرد بیمار ماه گذشته توسط آن پزشک درمان شد.»
- توضیح:** "cure" (درمان کردن) فعلی متعدی (مفعول‌پذیر) است. پس از آن مفعولی به کار نرفته است. در واقع این مفعول به ابتدای جمله منتقل شده است (چه کسی درمان شد؟ جواب: آن مرد بیمار = مفعول). این‌گونه جمله‌ها مجهول هستند و به "to be" و "p.p." نیاز دارند. ضمناً (فاعل + by) از نشانه‌های دیگر جمله مجهول است. با توجه به قید «زمان گذشته ساده» در انتهای جمله، «گذشته ساده مجهول» پاسخ صحیح است.
۱۸۹. "forgave" «والدین من مرا به خاطر آن چه انجام دادم بخشیدند، این‌طور نیست؟»
- توضیح:** با توجه به این‌که "Tag question" در انتهای جمله به صورت «منفی» در زمان «گذشته ساده» به کار رفته است، فعل جمله باید به صورت مثبت و به زمان «گذشته ساده» باشد.

۱۵۷. "poetry" «او ساده‌ترین راه را برای بیان (افکار) خودش زبان شعر می‌دانست.»
۱۵۸. "forgiven" «من هرگز خودم را به خاطر شیوه‌ای که با او رفتار کردم نبخشیده‌ام.»
۱۵۹. "discover" «برای او چندین هفته طول کشید تا آن راه حل را پیدا کند.»
۱۶۰. "including" «و همه از جمله آناپاولونا این (موضوع) را احساس کردند.»
۱۶۱. "accidentally" «آن نامه گمشده به شکل تصادفی در سال ۱۷۸۸ پیدا شد (کشف شد) و دیگر هیچ رازی باقی نماند.»
۱۶۲. "inspiration" «شاعرها و هنرمندها غالباً از طبیعت الهام می‌گیرند.»
۱۶۳. گزینه (۱) - "solution" «آیا شما می‌دانید که هیچ راه حل ساده‌ای برای این مسأله وجود ندارد؟»
- سؤال ۱ راه حل ۲
- ۱- دعوت ۲- دعوت‌نامه ۳- قدردانی، تقدیر
- گزینه (۳) - "heart" «او همه شعرهای مولانا را از حفظ یاد گرفته است.»
- ۱ سر ۲ پا
- ۳ قلب ۴ گردن
- توضیح:** "by heart" به معنای «از حفظ / از بر» می‌باشد.
۱۶۵. گزینه (۲) - "countless" «این راه حل را به دفعات بی‌شمار به او توصیه کرده‌ام، اما او از این خطر آگاه نیست.»
- ۱ نا امید ۲ بی‌شمار
- ۳ بی‌دقت ۴ بی‌خانمان
۱۶۶. گزینه (۴) - "tool" «همیشه برای کار وسیله مناسب را انتخاب کنید.»
- ۱ کبوتر ۲ کاناپه
- ۳ شعر ۴ وسیله، ابزار
۱۶۷. (c) "author" (مؤلف، نویسنده) «شخصی که کتاب می‌نویسد»
۱۶۸. (g) "solution" (حل، راه حل) «شیوه جواب دادن به سؤال»
۱۶۹. (f) "tool" (وسيله، ابزار) «چیزی که شما برای ساخت، تعمیر و ... اشیا در دست‌تان می‌گیرید و از آن استفاده می‌کنید»
۱۷۰. (a) "accidentally" (به شکل تصادفی) «بدون برنامه‌ریزی اتفاق افتاد»
۱۷۱. (e) "ordinary" (معمولی، عادی) «به هیچ شکل غیرمعمول یا متفاوت نیست»
۱۷۲. (d) "find" (پیدا کردن) «دانشمندان در حال کار هستند تا درمانی را برای ایدز کشف کنند.»
۱۷۳. (g) "answer" (جواب) «سؤال این است که آن‌ها قصد دارند چقدر به شما پرداخت کنند؟»
۱۷۴. (b) "calm" (آرام، با آرامش) «من از دست خودم به خاطر ارتکاب چنین اشتباهی بسیار عصبانی بودم.»